

مطالعه جامعه‌شناختی رابطه کیفیت زندگی زناشویی با عوامل جمعیت‌شناختی

فاطمه رشید^۱

شهلا کاظمی‌پور^۲

حسین آقاجانی مرساء^۳

تاریخ وصول: ۹۷/۰۶/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲۶

چکیده

هدف تحقیق حاضر «سنجش رابطه کیفیت زندگی زناشویی با عوامل جمعیت‌شناختی» می‌باشد. این پژوهش با توجه به ماهیت توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری کلیه ی زنان متأهل ۱۵ تا ۶۵ سال شهر کرج هستند که با توجه به فرمول کوکران حجم نمونه برابر با ۴۶۵ نفر به‌دست آمد و نمونه آماری به روش خوشه‌ای و سپس تصادفی ساده تعیین شدند. در مبانی نظری از نظریه‌های کیفیت زندگی، پارسونز، صافی، همسان همسری و . . . استفاده شده و در پایان مدل نظری تحقیق، طراحی گردیده است. این تحقیق با استفاده از روش پیمایشی انجام گرفته و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته است. پایایی پرسشنامه توسط آلفای کرونباخ برای تمامی ابعاد پرسشنامه بالاتر از ۰/۷ به‌دست آمد که قابل قبول می‌باشد. پس از گردآوری داده‌ها، براساس آمارهای توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم‌افزار SPSS، داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتیجه آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که بین کیفیت زندگی و سن، سن ازدواج، فاصله سنی با همسر، مدت ازدواج، درآمد، تحصیلات و سن باروری رابطه معناداری وجود دارد. و طبق آزمون رگرسیون و تحلیل مسیر در بیش‌ترین و قوی‌ترین تأثیر بر کیفیت زندگی زناشویی، می‌توان به ترتیب به تأثیر مستقیم متغیرهای مدت ازدواج (۰/۵۷۲)، فاصله سنی با همسر (۰/۳۸۱)، سن ازدواج (۰/۴۰۴) اشاره نمود.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی زناشویی، زنان متأهل، سن، سن ازدواج، مدت ازدواج.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

skazemipour@gmail.com

۲- دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

۳- دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

فضای خانواده بستری برای شکل‌گیری تمام ابعاد یک زندگی است، تأمین خواسته‌های فرد، شکوفایی استعدادها، شکل‌گیری نگرش‌ها و تربیت افراد در این نهاد اساسی صورت می‌گیرد. واکنش متقابل اعضای خانواده، چگونگی کیفیت زندگی آن‌ها و تأثیر این روابط بر اجزا و نهادهای دیگر جامعه، اندیشمندان را بر آن داشته است که با رویکردهای مختلف به مطالعه این واحد اجتماعی سرنوشته‌ساز همت گمارند. در طی سالیان اخیر، پدیده‌های مرتبط با خانواده به‌شدت رو به فزونی گذارده است، بر اساس آمار موجود و منتشره در جراید و خبرنامه‌های رسمی، کیفیت خانواده در معرض خطر شدید قرار دارد. بالا رفتن درصد طلاق، پایین آمدن مدت زمان عمر خانواده در سالیان اخیر، افزایش خشونت خانوادگی، قتل‌های خانوادگی، خیانت، طلاق عاطفی در خانواده و بی‌تعهدی از این مسائل می‌باشد. یکی از مهمترین جنبه‌های مورد مطالعه در خانواده، کیفیت زندگی زناشویی، رضایت و یا عدم رضایت آن‌ها از این زندگی مشترک می‌باشد که با شروع زندگی مشترک، رضایت زناشویی به متغیری مهم در رابطه با کیفیت زندگی زناشویی بدل می‌شود. (ستوده، ۱۳۸۶: ۵۴).

بنابراین با افزایش کیفیت زندگی زناشویی همسران با سازگاری، احساس خوشبختی، رضایتمندی و آرامش روانی بیشتری در کنار یکدیگر زندگی کنند. فقدان یا کاهش احساس رضایتمندی زناشویی، خود می‌تواند سبب ایجاد محرکی برای تصمیم به جدایی و طلاق شود که آثار مخرب و مهلک آن نیز بر کسی پوشیده نیست. پژوهش در رابطه با کیفیت زندگی زناشویی و شناسایی عواملی که موجب کاهش کیفیت زندگی زناشویی می‌شود علاوه بر اینکه موجب کمک به بهبود روابط زوجین می‌شود، بنیادهای ضروری فراهم می‌کند که ما با استفاده از آن‌ها می‌توانیم از تنش‌های اجتماعی موجود در جامعه بکاهیم و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی را در جهت برنامه‌های توسعه در کشور بهبود ببخشیم. (گود، ۱۳۵۲: ۷۵).

یکی از این متغیرهای مهم که در بحث کیفیت زندگی زناشویی به آن اشاره می‌شود سن ازدواج است و البته «ازدواج در سنین پایین» که در حال تبدیل شدن به یکی از مهم‌ترین مسائل حال حاضر جامعه ایرانی می‌باشد و به تازگی بسیاری از دانشمندان حوزه جامعه‌شناسی خانواده نیز به آن توجه کرده‌اند و گروهی از آن به‌عنوان یک مسئله اجتماعی عنوان می‌کنند.

با توجه به آمار مراکز پژوهشی، نگرانی و دغدغه گروهی از جامعه‌شناسان، ازدواج در سن پایین است که در این راستا نیز نمایندگان مجلس با پیگیری‌های کمیسیون بانوان به‌دنبال تصویب و اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی که مربوط به ممنوعیت ازدواج دختران زیر ۱۳ سال و پسران کمتر از ۱۶ سال است می‌باشند. بسیاری از کارشناسان و جامعه‌شناسان به آسیب‌های اجتماعی ناشی از پایین بودن سن ازدواج

اشاره کردند. آمارهای رسمی حاکی از افزایش رشد طلاق در کشور هستند و این عامل با ازدواج زودهنگام بیش‌تر می‌شود. زیرا وقتی دخترانی که در سنین پایین ازدواج کرده‌اند و این دوره را پشت سر می‌گذارند و به سن جوانی می‌رسند معیارهایشان تغییر می‌کند و همین امر موجب می‌شود احساس کنند در ازدواج خود اشتباه کرده‌اند. بنابراین به یکی از عوامل مهم در بحث کیفیت زندگی زناشویی از این منظر در این پژوهش پرداخته شده است.

بنابراین در مطالعه کیفیت زندگی زناشویی، علاوه بر اینکه توجه به تفاوت‌های زیستی زوجین، شناسایی نیازمندی‌های طرفین مقابل، توقعات و تفاوت‌های فرهنگی زوجین لازم می‌باشد همچنین می‌توان به نقش غیرقابل انکار عوامل و ریشه‌های اجتماعی نیز اشاره داشت. بی‌گمان بخش زیادی از رضایت یا عدم رضایت زوجین از یکدیگر در این تفاوت‌ها و علل اجتماعی مانند منابع و عوامل قدرت زنان (تحصیلات، شغل و درآمد)، تحصیلات، شغل و درآمد شوهر، فاصله سنی بین زوجین، تعداد افراد خانواده، سن ازدواج، تفاوت قومیتی، تعداد سال‌های زندگی مشترک، شیوه همسرگزینی و... ریشه دارد. در این پژوهش با تلفیق و ترکیبی از نظریه‌های مطرح شده در حوزه خانواده و ازدواج سعی در بررسی این موضوع شد. بر طبق نظریه‌ی همسان‌همسری، اغلب افراد همواره برای ازدواج خود تمایل دارند فردی را انتخاب کنند که همسان و شبیه به یکدیگر باشند، چرا که مطابق با این نظریه، همسانی افراد در بسیاری از جهات باعث دوام و پایداری آن ازدواج می‌شود و همین‌طور افزایش رضایت از زندگی زناشویی را نیز به دنبال خواهد داشت و کیفیت زندگی زناشویی را بالا می‌برد (فالکنر^۱، ۲۰۰۲: ۱۴).

همچنین در نظریه صافی هر قدر زوجین از نظر قومی، نژادی، طبقه اجتماعی و اقتصادی و شرایط سنی همسانی بیشتری داشته باشند کیفیت زندگی زناشویی بیشتر می‌شود (کوزر، ۱۳۸۷: ۶۷).

به گمان آلن ژیرار افراد خواهان انتخاب کسی هستند که همانند خود ایشان باشد و هر قدر درجه‌ی همگونی همسران بیش‌تر باشد، زناشویی آن‌ها استوارتر و پایدارتر است (ساروخانی، ۱۳۸۲: ۴۱).

از دیدگاه جامعه‌شناسی در نظریه‌ی چرخه‌ی زندگی، زناشویی و رضایت‌مندی از زندگی زناشویی، حاکی از آن است که بین رضایت از ازدواج و دوره‌های زندگی رابطه‌ای منحنی شکل وجود دارد که طبق آن با تولد فرزندان و در دوره‌ای کوتاه از میانسالی، رضایت از ازدواج کاهش می‌یابد و سپس با راه افتادن فرزندان، رضایت از زندگی به‌نحو چشمگیری افزایش می‌یابد (استاک، ۱۹۹۸: ۴۳). پس می‌توان گفت تعداد سال‌های زندگی مشترک نیز می‌تواند بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر بگذارد.

اریک فروم نیز درحوزه کیفیت زندگی معتقد است، عشق بین زوجین شامل ابراز احساسات مثبت، توجه و مراقبت، همدلی و مهربانی، حمایت و قدردانی است. فروم معتقد است، عشق عبارت است از

1- Faulkner

همبستگی و یگانگی با شخص، به شرط نگه داشتن فردیت و موازین شخصیت فردی (فروم، ۱۳۸۹: ۹۹).

پس بر اساس نظر فروم می‌توان گفت که میزان عشق و علاقه زوجین همراه با ملازمات آن مانند احترام متقابل، همکاری و مشارکت و صمیمیت جنسی و... بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر دارد. براساس نظریه پارسونز در خانواده هسته‌ای کیفیت زندگی بالاتر است. پارسونز در کارکرد خانواده هسته‌ای از منظر خرد به‌عنوان نظامی خاص با طرح نظام شخصیتی در نظریه خود به تعریف رضایت اقدام می‌کند و عنصر اصلی نظام شخصیت را تمایلات می‌داند. در خانواده هسته‌ای با انجام مسئولیت‌ها، احترام گذاشتن و شناخت و مشارکت و همدلی در کارها، داشتن صمیمیت جنسی و تفاهم در انجام کارها و... می‌توان رضایت از زندگی زناشویی را مشاهده کرد (اعزازی، ۱۳۷۶: ۷۲).

همچنین می‌توان نظریه آنومی دورکیم را به‌روشنی با کیفیت زندگی زناشویی بررسی کرد. می‌توان عنوان کرد که بر اساس دیدگاه دورکیم زن و شوهری که بر اساس ارزش‌ها و اخلاقیات هدایت شوند از موقعیت و رابطه خود رضایت دارند و این امر بر کیفیت زندگی زناشویی آن‌ها تأثیر دارد. همچنین در جریان انتقال از همبستگی مکانیکی به ارگانیکی به علت عدم انسجام بین زن و مرد، احتمال متزوی بودن آن‌ها و عدم رضایت آن‌ها بیشتر می‌شود و این انزوا موجب می‌شود که کیفیت زندگی زناشویی کاهش یابد (صادق‌مقدم و همکاران، ۱۳۸۵: ۵۰).

شلسکی اشتغال زنان در بیرون از منزل را زیانبار می‌داند و معتقد است موجب کاهش کیفیت زندگی زناشویی می‌شود (کوزر، ۱۳۸۷: ۶۴).

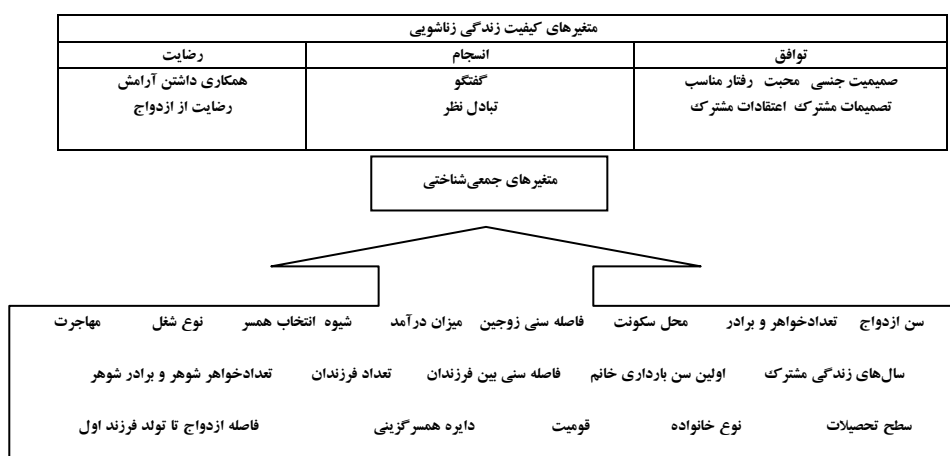
همانطور که در تئوری‌های مختلف در بالا بیان شد عوامل مختلفی مانند طول مدت زندگی مشترک، همسانی در سن ازدواج و قومیت، اشتغال زنان، نوع خانواده، اندازه و جمعیت خانواده، عشق و همکاری بین زوجین در کیفیت زندگی زناشویی تأثیر دارد. همچنین ممکن است ویژگی تعاملات میان زوجین برای کیفیت زندگی زناشویی مهمتر از صفات اجتماعی یا فردی باشد.

در واقع احترام، محبت و همکاری اثربخش بین زوجین و سایر اعضای خانواده‌های هر دو، می‌تواند تأثیر مهمی در کیفیت زندگی زناشویی داشته باشد. همچنین با توجه به دیدگاه دوال و هیل تأثیر حضور فرزندان و تعداد فرزندان بر کیفیت زندگی زناشویی در بین زوجین متفاوت است و به‌نظر محقق در بین عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی زناشویی، حائز اهمیت باشند. بخصوص با توجه به این موضوع که در جامعه کنونی تشویق به باروری و افزایش تعداد فرزندان مورد توجه مسئولان می‌باشد.

در مورد سن ازدواج، جامعه‌شناسانی مانند شهلا اعزازی در پذیرش این که تفاوت زیاد سنی میان زن و شوهر در اکثر موارد به‌عنوان عاملی زیانبار بر سلامت خانواده تأثیر می‌گذارد هم عقیده هستند. اگر اختلاف و تفاوت سنی زوجین متناسب نبوده و فاصله‌ی سنی زوجین تفاوت فاحش داشته باشد، احتمال

مطالعه جامعه‌شناختی رابطه کیفیت زندگی زناشویی با عوامل جمعیت‌شناختی

آسیب به سلامت و دوام خانواده بسیار افزایش می‌یابد؛ چراکه فاصله‌ی سنی زیاد بین زوجین، فاصله‌ی عمیق اجتماعی را به همراه خواهد داشت؛ به عبارت دیگر، دو نفر از دو نسل متفاوت خواهند بود. در مدل نظری با توجه به سه رویکرد لیو در بررسی کیفیت زندگی، رویکرد اول که عناصر تشکیل دهنده آن مانند شادکامی، رضایتمندی، احترام، صمیمیت جنسی، حمایت همسر، حل تعارض، تفاهم در زندگی و . . . تعریف می‌شود در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. (مقصودی، ۱۳۸۶: ۹۲). همچنین با توجه به دو مدل معروف ایوانز برای توضیح ارتباط بین کیفیت زندگی و دیگر متغیرها که شامل: الف) مدل از بالا به پایین: براساس این تئوری، چنین فرض می‌شود که کیفیت زندگی، ویژگی ثابتی است که باعث خروجی‌های معینی در زندگی افراد می‌شود. ب) در مدل از پایین به بالا، اعتقاد بر این است که متغیرهای خاصی کیفیت زندگی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد که با توجه به هدف این پژوهش مطالعه کیفیت زندگی زنان متأهل ۱۵ تا ۶۵ سال و مطالعه آن بر اساس متغیرهای زمینه‌ای و جمعیت‌شناختی می‌باشد، مدل دوم مورد تأکید است. (جمال‌زاده، ۱۳۹۲: ۵۶). بنابراین الگوی نظری این گونه ارائه شده است.



شکل (۱) مدل نظری پژوهش

فرضیاتی که در این پژوهش مطرح شده است عبارتند از:

- ۱- به نظر می‌رسد که سن بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر معکوس دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد که سن ازدواج بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر مستقیم دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد که فاصله سنی زوجین بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر معکوس دارد.

۴- به نظر می‌رسد که تعداد سال‌های زندگی مشترک زوجین بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر معکوس دارد.

۵- به نظر می‌رسد که تعداد فرزندان، بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر معکوس دارد.

۶- به نظر می‌رسد که فاصله سنی بین فرزندان، بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر معکوس دارد.

۷- به نظر می‌رسد میزان درآمد، بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر مستقیم دارد.

۸- به نظر می‌رسد میزان تحصیلات زنان، بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر مستقیم دارد.

۹- به نظر می‌رسد میزان تحصیلات همسر، بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر مستقیم دارد.

۱۰- به نظر می‌رسد تعداد زیاد خواهر و برادر، بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر معکوس دارد.

۱۱- به نظر می‌رسد پایین بودن سن زن در اولین بارداری بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر مستقیم دارد.

۱۲- به نظر می‌رسد که تعداد اعضای خانواده همسر، بر کیفیت زندگی زوجین تأثیر معکوس دارد.

۱۳- به نظر می‌رسد که فاصله سن ازدواج تا تولد فرزند اول، بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر مستقیم دارد.

۱۴- به نظر می‌رسد مهاجرت بعد از ازدواج، بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر مستقیم دارد.

۱۵- به نظر می‌رسد زنان شاغل، کیفیت زندگی زناشویی بهتری دارند.

۱۶- به نظر می‌رسد که ازدواج با خویشاوندان، بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر مستقیم و مثبتی دارد.

۱۷- به نظر می‌رسد که انتخاب همسر با نظر خود فرد، بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر مستقیم دارد.

۱۸- به نظر می‌رسد که نزدیکی محل سکونت با خانواده همسر، بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر معکوس دارد.

۱۹- به نظر می‌رسد که قومیت یکسان بین زوجین، بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر مستقیم دارد.

با توجه به مباحث بالا می‌توان گفت اجرای پژوهش‌هایی از این دست و تأکید و بررسی عوامل جمعیت‌شناختی برای شناسایی دقیق‌تر علل طلاق و در نقطه‌ی مقابل آن رضایت‌مندی از زندگی زناشویی در کشور از اهمیت زیادی بهره‌مند است.

زیرا بر اساس یافته‌های حاصل از این قبیل پژوهش‌ها، از یک‌سو، می‌توان هزینه‌ها و مشکلات مادی و روانی ناشی از اختلافات خانوادگی و پدیده طلاق را کاهش داد و از سوی دیگر، با افزایش معرفت و شناخت به‌ویژه یافته‌های حاصل از پژوهش‌های کاربردی، پیشنهادات مناسبی برای سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان اجرایی ارائه کرد تا بنیان‌های خانواده استحکام بیش‌تری پیدا کند.

روش

این پژوهش از نوع کاربردی و پیمایشی است و داده‌ها از طریق پرسشنامه به‌عنوان ابزار اصلی گردآوری اطلاعات، جمع‌آوری شد. تا با بررسی و تحلیل هر چه دقیق‌تر آن‌ها، اهداف این پژوهش به چالش گذاشته شود و فرضیات این پرسشنامه بررسی شود. جامعه آماری زنان متأهل بین ۱۵ تا ۶۵ سال ساکن شهر کرج در سال ۹۶-۹۵ می‌باشد. بر اساس فرمول «کوکران» ۳۶۴ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شده‌اند. اما چون در تحقیقات به برخی از پرسشنامه‌ها به‌طور کامل پاسخ داده نمی‌شود و یا به دلیل عدم دقت پاسخگو اطلاعات موجود در آن‌ها قابل استفاده نمی‌باشد، تصمیم گرفته شد که بیشتر از این حجم نمونه برآورد شده پرسشنامه توزیع شود در نتیجه ۴۶۵ پرسشنامه توزیع شد. روش نمونه‌گیری این پژوهش، نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای می‌باشد که براساس تقسیم‌بندی صورت گرفته از سوی شهرداری، شهر کرج به ۱۰ منطقه تقسیم می‌شود. ابتدا از بین ۱۰ منطقه شهر، ۵ منطقه از مناطق به‌صورت تصادفی ساده انتخاب شدند (بخش مرکزی کرج، اسلام‌آباد و عظیمیه، بلوار ارم، مهرشهر و فاز چهار، مصباح تا محدوده کارخانه قند، حسین‌آباد و شهرک بنفشه) و در مرحله دوم و در نهایت در هر منطقه انتخاب شده، ۹۳ نفر از زنان متأهل ۱۵ تا ۶۵ سال به‌صورت تصادفی ساده انتخاب شدند.

در این پژوهش ابتدا از مقیاس کیفیت زندگی زناشویی باسبی و همکاران (RDAS) به‌منظور سنجش میزان کیفیت روابط زناشویی استفاده شده است که بعد این فرم توسط محقق تجدید نظر شده و در نهایت از پرسشنامه محقق ساخته در جهت سنجش کیفیت زندگی زناشویی و سنجش متغیرهای جمعیت‌شناختی استفاده شد. پرسشنامه در دو قسمت تهیه شد که بخش اول آن با ۲۰ سؤال برای سنجش متغیرهای جمعیت‌شناختی تهیه شد و در قسمت دوم ۶۰ گویه با ۳ خرده مقیاس توافق (۳۰ سؤال)، رضایت (۱۲ سؤال) و انسجام (۱۸ سؤال) تشکیل شد که در مجموع نمره کیفیت زناشویی را نشان می‌دهند و نمرات بالا نشان‌دهنده کیفیت زناشویی بالاتر است.

جدول (۱): میزان آلفای کرونباخ گویه‌های مربوط به هر شاخص

عنوان شاخص	تعداد سؤالات (گویه‌ها)	ضریب آلفای کرونباخ
رضایت	۱۲	۰/۵۸
توافق	۳۰	۰/۸۵
انسجام	۱۸	۰/۸۴
کیفیت زندگی	۶۰	۰/۹۰

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش آمار توصیفی با استفاده از جداول و شاخص‌های گرایش مرکزی و در بخش آمار استنباطی با استفاده از نرم‌افزار SPSS از آزمون‌های تحلیل رگرسیون و ضریب همبستگی روابط بین متغیرها بررسی می‌شود. پایایی پرسشنامه به شیوه آلفای کرونباخ محاسبه شد.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی؛ از ۴۶۵ زن متأهل بین سن ۱۵ تا ۶۵ سال شهر کرج خواسته شد که به سؤالات پرسشنامه پاسخ دهند در این قسمت به خلاصه نتایج به دست آمده پرداخته می‌شود: میانگین سنی پاسخگویان ۳۸ سال، کم‌سن‌ترین ۲۰ و مسن‌ترین ۶۵ سال است. میانگین فاصله سنی با همسر پاسخگویان ۴/۷ سال است. کم فاصله‌ترین ۰ و بیشترین فاصله سنی ۳۰ سال است. میانگین سن ازدواج پاسخگویان ۲۲ سال، کم‌ترین سن ازدواج ۱۲ سال و بیشترین ۴۵ سال است. میانگین سن بارداری پاسخگویان ۲۴ سال است. کم‌ترین سن بارداری ۱۳ سال و بیشترین ۴۶ سال است. میانگین مدت زمان ازدواج پاسخگویان ۱۶ سال، کم‌ترین مدت ازدواج ۱ سال و بیشترین ۵۲ سال است. ۵/۶ درصد از پاسخگویان فرزندی ندارند، ۳۶/۱ درصد یک فرزند، و ۳۷/۸ درصد دو فرزند، ۹/۴ درصد سه فرزند، ۷/۶ درصد چهار فرزند، ۱/۲ درصد پنج فرزند، ۰/۳ درصد هفت فرزند، ۳/۳ درصد هشت فرزند و ۰/۷ درصد نه فرزند دارند. میانگین تعداد اعضای خانواده همسر پاسخگویان ۶ نفر، کم‌ترین ۱ نفر و بیشترین ۱۴ نفر است.

بیش از سه چهارم پاسخگویان یعنی ۷۷/۶ درصد اعلام کرده‌اند که با همسر خود خویشاوند نیستند و ۲۲/۴ درصد با همسر خود رابطه خویشاوندی داشته‌اند. ۳۷/۳ درصد از پاسخگویان اعلام کرده‌اند که نزدیک خانواده همسر خود زندگی می‌کنند. ۰/۲۶ درصد از پاسخگویان هم نزدیک خانواده خود زندگی می‌کنند. و محل زندگی ۳۶/۷ درصد از پاسخگویان نزدیک هیچکدام از خانواده‌های طرفین نبوده است. ۹/۴ درصد از پاسخگویان اعلام کرده‌اند که درآمد ماهانه آن‌ها کمتر از یک میلیون تومان در ماه است. ۳۰/۸ درصد هم بین یک تا دو میلیون، ۲۶ درصد دو تا سه میلیون، ۳۳/۸ درصد بیشتر از سه میلیون در ماه درآمد دارند.

بیش‌تر پاسخگویان یعنی ۳۳ درصد اعلام کرده‌اند که دارای مدرک لیسانس هستند. ۱/۹ درصد بی سواد، ۵/۲ درصد ابتدایی، ۹/۴ درصد راهنمایی، ۲۶/۲ درصد متوسطه و دیپلم، ۱۱/۳ درصد فوق دیپلم، ۱۰ درصد فوق لیسانس، ۲/۶ دکتری داشته‌اند و ۰/۳ درصد هم سواد حوزوی داشته‌اند. ۴۵/۶ اعلام کرده‌اند که خانه‌دار هستند و ۵۴/۴ درصد هم شاغل هستند. بنابراین بیشتر پاسخگویان شاغل هستند. میانگین تعداد خواهر و برادر پاسخگویان ۴/۲ نفر است. کم‌ترین تعداد ۱ و بیشترین ده نفر بوده است. ۰/۲۹ درصد اعلام کرده‌اند که با خانواده همسر خود زندگی می‌کنند، و ۷۱ درصد هم با خانواده همسر زندگی نمی‌کنند. بنابراین بیشتر پاسخگویان با خانواده همسر خود زندگی نمی‌کنند. ۰/۳ از افراد با برادر یا خواهرشان با آن‌ها زندگی می‌کند، ۱/۷ درصد پدر یا مادر خود، ۰/۲ برادر یا خواهر همسر، ۵/۴ پدر یا مادر همسر، و ۹۰/۳ نفر هم کسی با آن‌ها زندگی نمی‌کند. بنابراین اکثراً مستقل زندگی می‌کنند. ۴۳/۵ درصد

مطالعه جامعه‌شناختی رابطه کیفیت زندگی زناشویی با عوامل جمعیت‌شناختی

اعلام کرده‌اند که بعد از ازدواج مهاجرت کرده‌اند، و ۵۶/۵ درصد هم بعد از ازدواج از محل زندگی خود مهاجرت نکرده‌اند.

در مورد قومیت پاسخ‌دهندگان، ۰/۳ درصد اعلام کرده‌اند که بلوچ هستند. ۱ درصد ترکمن، ۵ درصد لر، ۳ درصد مازنی، ۴/۳ درصد گیلک، ۷/۹ درصد کرد، ۲۶/۳ درصد آذری، ۵۰/۲ درصد فارس و ۲ درصد عرب هستند. بنابراین اکثریت فارس هستند. و اما قومیت همسران نیز به این گونه است که ۱/۶ درصد اعلام کرده‌اند که ترکمن هستند، ۴/۳ درصد لر، ۴/۶ درصد مازنی، ۵/۳ درصد گیلک، ۱۰/۲ درصد کرد، ۲۶/۶ درصد آذری، ۴۵/۷ درصد فارس و ۱/۶ درصد عرب هستند. بنابراین اکثریت فارس هستند. ۶/۴ درصد اعلام کرده‌اند که فرزندان‌شان بین یک تا دو سال با هم فاصله دارند. ۲۱/۴ درصد بین دو تا چهار سال، ۲۹/۴ درصد بیشتر از چهار سال، و ۴۲/۸ درصد هم به این سؤال پاسخ نداده‌اند که به احتمال زیاد فرزند ندارند یا یک فرزند داشتند.

توصیف متغیر وابسته (کیفیت زندگی زناشویی): ۱۳/۲ درصد از پاسخگویان کیفیت زندگی زناشویی در حد پایین دارند. ۵۴/۳ درصد در حد متوسط و ۳۲/۵ درصد هم کیفیت زندگی زناشویی شان در حد بالا و مطلوب است. میانگین ۲/۱۹۲ و انحراف معیار ۰/۶۴۹ می‌باشد. بنابراین اکثر پاسخگویان کیفیت زندگی زناشویی شان در حد متوسط است.

جدول (۲): توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان بر حسب کیفیت زندگی زناشویی

کیفیت زندگی زناشویی	فراوانی	درصد معتبر	درصد تراکمی	میانگین	انحراف معیار
پایین	۶۰	۱۳/۲	۱۳/۲	۲/۱۹۲	۰/۶۴۹۲۰
متوسط	۲۲۲	۵۴/۳	۶۷/۵		
بالا	۶۴	۳۲/۵	۱۰۰		
جمع	۳۴۶	۱۰۰			

جدول زیر بیانگر میانگین نمره پاسخگویان بر حسب ابعاد کیفیت زندگی زناشویی می‌باشد، همانطور که مشاهده می‌شود، از سه بعد بررسی شده، میزان انسجام در زندگی با میانگین ۱۰۴/۹ بیشتر از توافق با میانگین ۶۰/۵ و رضایت با میانگین ۳۸/۴۷ می‌باشد.

جدول (۳): توزیع میانگین نمره پاسخگویان بر حسب ابعاد کیفیت زندگی

ابعاد کیفیت زندگی	توافق	رضایت	انسجام
میانگین	۶۰/۵	۳۸/۵	۱۰۴/۹
حداقل	۱۸	۱۴	۵۸
حداکثر	۹۰	۶۰	۱۵۱

یافته‌های استنباطی؛ جدول زیر نشان‌دهنده رابطه بین «کیفیت زندگی زناشویی» پاسخگویان با متغیرهای مستقل است که از آزمون‌های مرتبط استفاده شده است، نتیجه آزمون‌ها به طور خلاصه در جدول زیر آمده است:

جدول (۴): خلاصه آزمون فرضیه‌ها

ردیف	فرضیه	نوع آزمون	ضریب	سطح معناداری	قبولی یا ردی
۱	سن و کیفیت زندگی زناشویی	پیرسون	-۰/۱۷۷	۰/۰۰۲	تأیید
۲	فاصله سنی با همسر و کیفیت زندگی زناشویی	پیرسون	-۰/۱۱۹	۰/۰۳۹	تأیید
۳	سالهای زندگی مشترک و کیفیت زندگی زناشویی	پیرسون	۰/۱۹۵	۰/۰۰۱	تأیید
۴	سن ازدواج و کیفیت زندگی زناشویی	پیرسون	۰/۱۲۰	۰/۰۳۹	تأیید
۵	تعداد فرزندان و کیفیت زندگی زناشویی	پیرسون	-۰/۱۰۸	۰/۰۷	رد
۶	فاصله سنی بین فرزندان و کیفیت زندگی زناشویی	اسپیرمن	۰/۰۵۰	۰/۳۹۳	رد
۷	درآمد و کیفیت زندگی زناشویی	اسپیرمن	۰/۱۶۳	۰/۰۰۵	تأیید
۸	تحصیلات زنان و کیفیت زندگی زناشویی	اسپیرمن	۰/۱۵۵	۰/۰۰۷	تأیید
۹	تحصیلات همسر و کیفیت زندگی زناشویی	اسپیرمن	۰/۱۸۴	۰/۰۰۱	تأیید
۱۰	تعداد خواهر شوهر و برادر شوهر و کیفیت زندگی زناشویی	پیرسون	۰/۰۰۳	۰/۹۶۰	رد
۱۱	پایین بودن سن بارداری و کیفیت زندگی زناشویی	پیرسون	۰/۱۵۱	۰/۰۱۷	تأیید
۱۲	تعداد خواهر و برادر و کیفیت زندگی زناشویی	پیرسون	-۰/۰۸۴	۰/۱۴۶	رد
۱۳	فاصله سن ازدواج تا تولد اولین فرزند	پیرسون	۰/۰۷۹	۰/۱۸۰	رد
۱۴	قومیت و کیفیت زندگی زناشویی	آنوا	۰/۵۱۶	۰/۸۴۴	رد
۱۵	محل زندگی پس از ازدواج و کیفیت زندگی زناشویی	آنوا	۳/۱۵۱	۰/۰۴۴	تأیید
۱۶	شیوه انتخاب همسر و کیفیت زندگی زناشویی	آنوا	۵/۸۳۵	۰/۰۰۳	تأیید
۱۷	ازدواج با خوینداوندان و کیفیت زندگی زناشویی	تی تست	۰/۹۰۶	۰/۳۴۲	رد
۱۸	شغل زنان و کیفیت زندگی زناشویی	تی تست	۰/۵۱۲	۰/۴۷۵	رد
۱۹	مهاجرت پس از ازدواج و کیفیت زندگی زناشویی	تی تست	۵/۹۲۵	۰/۰۱۶	تأیید

بنابراین از فرضیات پژوهش فرضیه‌های زیر مورد تأیید قرار گرفت.

- ۱- به نظر می‌رسد که سن بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر معکوس دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد که سن ازدواج بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر مستقیم دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد که فاصله سنی زوجین بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر معکوس دارد.
- ۴- به نظر می‌رسد که تعداد سال‌های زندگی مشترک زوجین بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر معکوس دارد.
- ۵- به نظر می‌رسد میزان درآمد، بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر مستقیم دارد.
- ۶- به نظر می‌رسد میزان تحصیلات زنان، بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر مستقیم دارد.
- ۷- به نظر می‌رسد میزان تحصیلات همسر، بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر مستقیم دارد.
- ۸- به نظر می‌رسد پایین بودن سن زن در اولین بارداری بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر مستقیم دارد.
- ۹- به نظر می‌رسد مهاجرت بعد از ازدواج، بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر مستقیم دارد.

مطالعه جامعه‌شناختی رابطه کیفیت زندگی زناشویی با عوامل جمعیت‌شناختی

- ۱۰- به نظر می‌رسد که انتخاب همسر با نظر خود فرد، بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر مستقیم دارد.
- ۱۱- به نظر می‌رسد که نزدیکی محل سکونت با خانواده همسر، بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر معکوس دارد.

آزمون فرضیه چندمتغیره: آزمون رگرسیون چندگانه؛ در تحلیل رگرسیون چندگانه، کلیه متغیرهای مستقل و زمینه‌ای به‌عنوان متغیرهای مستقل و کیفیت زندگی زناشویی به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شدند.

جدول (۵): نتایج آزمون تحلیل رگرسیون برای عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی زناشویی

مدل	R	R ²	R تعدیل شده	انحراف استاندارد
۱	۰/۶۸۵	۰/۳۸۲	۰/۴۵۶	۱/۸۹۶۱۱

در تحلیل رگرسیون چندگانه، با استفاده از روش هم‌زمان (در سطح معناداری قابل قبول)، با ترسیم معادله‌ی رگرسیون استاندارد، می‌توان گفت که با افزایش یک واحد تغییر در متغیرها مستقل به اندازه‌ی ضریب رگرسیون استاندارد واحد در متغیر وابسته افزایش خواهیم داشت. در تحلیل رگرسیون چندگانه، کلیه متغیرهای مستقل و زمینه‌ای به‌عنوان متغیر مستقل و کیفیت زندگی زناشویی به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شدند. بنابراین همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود مقدار ضریب تعیین برابر است با: $R^2 = 0/38$ به این معنی که متغیرهای موجود در این تحقیق می‌توانند تا ۳۸ درصد رضایت زندگی زناشویی را توضیح داده یا تبیین کنند و ۶۲ درصد نیز به عوامل دیگری وابسته است که در این تحقیق نیامده است.

می‌توان نتیجه‌گیری کرد که برای بالا بردن میزان کیفیت زندگی زناشویی مهمترین عواملی که روی آن‌ها باید تأکید و کارکرد: مدت ازدواج، سن ازدواج، فاصله سنی با همسر و تعداد فرزندان است. چرا که اثرگذاری مستقیم این عوامل به‌طور آشکار بیشتر از اثرگذاری سایر عوامل بر کیفیت زندگی زناشویی است.

جدول (۶): نتایج آزمون تحلیل واریانس برای عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی زناشویی

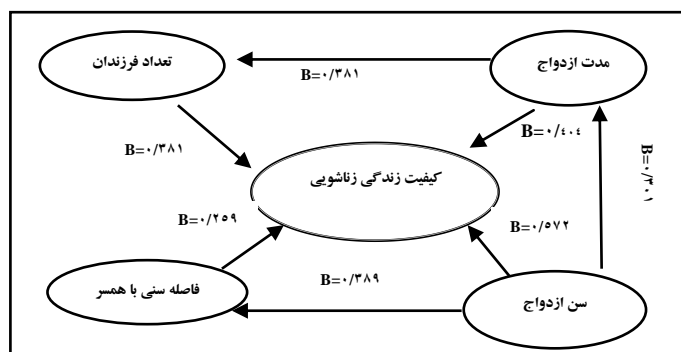
ضرایب	مجموع مجذورات	درجه آزادی (df)	میانگین	F	سطح معناداری
رگرسیون	۷۱۵/۳۱۰	۵	۱۱۹/۳۱۸	۹/۶۴۲	۰/۰۰۰
باقیمانده	۲۹۷۹/۸۱۴	۴۵۲	۱۲/۳۶۴		
کل	۳۶۹۵/۱۲۷	۴۶۰	۰		

تغییرات اجتماعی - فرهنگی، سال هفدهم، شماره شصت و ششم، پاییز ۱۳۹۹

جدول (۷): ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون چندمتغیره کیفیت زندگی زناشویی

عنوان متغیر	ضرایب غیر استاندارد	ضرایب استاندارد		مقدار T	سطح معناداری
		Beta	اشبهه استاندارد		
عدد ثابت (Constant)	۱۰/۴۷۳	-	۱۰/۹۹۷	۱/۲۴۳	۰/۰۰۰
سن بارداری	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۰/۹۸۷	۰/۳۳۵
تعداد فرزندان	۰/۴۲۱	۰/۱۶۷	۰/۲۵۹	۵۲۱/۲	۰/۰۱۲
سن	۰/۱۱۸	۰/۲۵۳	۰/۰۳۷	۰/۴۶۹	۰/۶۴۰
سن ازدواج	۰/۳۳۳	۰/۱۶۳	۰/۵۸۱	۲/۲۸۳	۰/۰۰۳
فاصله سنی با همسر	۰/۲۹۰	۰/۰۹۲	۰/۳۸۱	۳/۱۵۸	۰/۰۰۲
مدت ازدواج	۰/۳۴۰	۰/۱۹۹	۰/۴۰۴	۱/۷۱۲	۰/۰۱۸

معادله خط رگرسیون عوامل تعیین کننده رضایت زندگی زناشویی در جامعه نمونه آماری:
 (فاصله سنی با همسر) + ۰/۲۹۰ + (مدت ازدواج) + ۰/۳۴۰ + (سن ازدواج) + ۰/۳۷۳ + (تعداد فرزندان) + ۰/۴۲۱ + ۱۰/۴۷۳ = کیفیت زندگی زناشویی



شکل (۲): مدل تحلیل مسیر مؤثر بر میزان کیفیت زندگی زناشویی

بر مبنای مدل تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی زناشویی می توان گفت:

- ۱- میزان کیفیت زندگی زناشویی تحت تأثیر مستقیم مدت ازدواج (۰/۴۰۴) و تعداد فرزندان (به میزان ۰/۲۵۹)، سن ازدواج (به میزان ۰/۵۷۲) و فاصله سنی با همسر (به میزان ۰/۳۸۱) می باشد.
- ۲- شاخص تعداد فرزندان، تحت تأثیر مستقیم مدت ازدواج (به میزان ۰/۳۸۱) قرار دارد.
- ۳- شاخص مدت ازدواج، تحت تأثیر مستقیم سن ازدواج (به میزان ۰/۳۰۱)
- ۴- فاصله سنی با همسر، تحت تأثیر مستقیم سن ازدواج (به میزان ۰/۳۸۹) می باشد.

جدول (۸): ضرایب تأثیر مستقیم، غیر مستقیم و کل عوامل مؤثر بر میزان کیفیت زندگی

عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی زناشویی	انواع تأثیر ضرایب مسیر (Bi) بر میزان کیفیت زندگی		
	تأثیر مستقیم	اثرات غیر مستقیم	مجموع اثرات مستقیم و غیر مستقیم
سن ازدواج	۰/۵۷۲	۰/۳۰۱	۰/۸۷۳
فاصله سنی با همسر	۰/۳۸۱	۰/۳۸۹	۰/۷۷۰
مدت ازدواج	۰/۴۰۴	۰/۰۰۰	۰/۴۰۴
تعداد فرزندان	۰/۲۵۹	۰/۳۸۱	۰/۶۴۰
مجموع تأثیرات	۱/۸۴۰	۱/۰۷۱	-

طبق جدول شماره ۸، سعی شده در قالب تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی زناشویی، به ترسیم نیکویی برازش مدل نظری پرداخته شود. لذا در بیشترین و قوی‌ترین تأثیر بر کیفیت زندگی زناشویی، می‌توان به تأثیر مستقیم متغیر سن ازدواج با میزان (۰/۵۷۲)، مدت ازدواج به میزان (۰/۴۰۴)، فاصله سنی با همسر به میزان (۰/۳۸۱) و تعداد فرزندان به میزان (۰/۲۵۹) اشاره کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

بسیاری از عوامل جامعه‌شناختی می‌تواند کیفیت روابط زوجین را تحت‌الشعاع خود قرار داده، آن را بهینه نموده و یا تخریب نماید. بالا رفتن درصد طلاق، پایین آمدن مدت زمان عمر خانواده در سالیان اخیر، افزایش خشونت خانوادگی، قتل‌های خانوادگی، خیانت و طلاق عاطفی در خانواده از جمله مواردی است که بیانگر کیفیت پایین زندگی زناشویی می‌باشد. طبق نتیجه این تحقیق، از عواملی که در کیفیت زندگی زناشویی مؤثر است عبارتند از: سن، فاصله سنی با همسر، سال‌های سپری شده از زندگی مشترک، تعداد فرزندان، درآمد، تحصیلات، تحصیلات همسر، سن اولین بارداری، محل زندگی پس از ازدواج، شیوه انتخاب همسر و مهاجرت پس از ازدواج. در این تحقیق تلاش شد تا میزان اثرگذاری این ابعاد شناسایی و نقش آن در کیفیت روابط زوجین تبیین گردد. زیرا موضوع کیفیت زندگی زناشویی همانند دیگر پدیده‌های اجتماعی و انسانی متأثر از عوامل و متغیرهای مختلفی است. که البته در این پژوهش محقق درصد بود تا به بررسی کیفیت زندگی زناشویی پرداخته و سپس به بررسی عوامل جمعیت‌شناختی و تأثیر آن روی روابط زوجین و کیفیت روابط آن‌ها بپردازد.

سن بر کیفیت زندگی تأثیر معکوس دارد. با توجه به سطح شبه فاصله‌ای متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. سطح معنی‌داری برابر $Sig=0/002$ است و همچنین میزان همبستگی پیرسون $0/177$ - است که نشان‌دهنده رابطه معکوس بین متغیرهاست. بنابراین هرچه سن بالاتر رود کیفیت زندگی کمتر است. نتیجه آزمون این فرضیه با نتیجه تحقیق گوهر ولی‌پور مرغملکی (۱۳۹۲) همراستا است.

تعداد سال‌های زندگی مشترک زوجین بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر معکوس دارد. با توجه به آزمون همبستگی پیرسون، سطح معنی‌داری برابر $Sig=0/001$ است و همچنین میزان همبستگی پیرسون $0/195$ - است که نشان‌دهنده رابطه معکوس بین متغیرهاست. بنابراین هرچه سال‌های زندگی مشترک بیش‌تر باشد کیفیت زندگی کم‌تر است. طبق نتیجه آزمون فرضیه سال‌های سپری شده از زندگی مشترک بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیرگذار است. نتیجه آزمون این فرضیه با نظریه استتس و ایس همراستا است که بیان کرده‌اند کیفیت زندگی زناشویی با گذشت زمان یعنی با طول مدت ازدواج کاهش می‌یابد.

تونینگ^۱ و همکاران (۲۰۰۳) نیز در پژوهش خود با عنوان^۲ رضایت ذهنی و والدین به این نتیجه دست یافتند که طول مدت ازدواج با رضایت زناشویی رابطه‌ی منفی دارد. اگرچه گروهی از پژوهشگران مانند کارنی و برادبوری (۱۹۹۷) دریافتند که نمرات رضایت زناشویی در خلال چهار سال اول ازدواج کاهش یافته و سپس افزایش می‌یابند که توسط پژوهش‌های اخیر تأیید نشده‌اند.

همچنین ممکن است ویژگی تعاملات میان زوجین برای کیفیت زناشویی مهم‌تر از صفات اجتماعی یا فردی باشد. در واقع ارتباطات و همکاری اثربخش بین زوجین و سایر اعضای خانواده‌های هر دو، احترام، می‌تواند تأثیر مهمی در کیفیت زندگی زناشویی داشته باشد. در پژوهش‌های انجام شده در باب کیفیت زندگی زناشویی در داخل، برخی به این نتیجه رسیده‌اند که طول مدت ازدواج، با میزان رضایت از زندگی زناشویی رابطه‌ی معنادار دارند. (سیاوش شاه‌عنایتی، ۱۳۸۸؛ صداقت، ۱۳۸۹؛ زارع و صفیاری جعفرآباد، ۱۳۹۴؛ صادق مقدم، عسکری، معروضی، شمس و طهماسبی، ۱۳۸۵؛ حسین خوانساری، ۱۳۸۰؛ بهاری، ۱۳۸۶؛ موسوی، ۱۳۸۵). آلدورف و گایمر^۳ (۲۰۱۲). به نقل از (آسوده و همکاران، ۱۳۸۹).

سن ازدواج بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر مستقیم دارد. با توجه به آزمون همبستگی پیرسون، سطح معنی‌داری برابر $Sig=0/039$ است و همچنین میزان همبستگی پیرسون $0/120$ است که نشان‌دهنده رابطه مستقیم بین متغیرهاست. بنابراین هرچه سن ازدواج بالاتر رود کیفیت زندگی بهتر است. نتیجه آزمون این فرضیه با نتیجه تحقیق گوهر ولی‌پور مرغملکی (۱۳۹۲)، نیلوفر جانقربانی (۱۳۹۴) (ویجتیمالا^۴ و همکاران، ۲۰۰۴؛ وندورف^۵ و همکاران، ۲۰۱۱؛ هیتون^۶، ۱۹۸۴) همراستا است. به نقل از (مرادی، ۱۳۷۹: ۴۴).

همچنین بیش‌ترین شمار طلاق‌ها در مرحله عقد و نامزدی بوده که این امر خود توجه محقق را به مسئله کاهش سن ازدواج و ارتباط آن با کیفیت زندگی زناشویی جلب کرده است، چرا که تصمیم احساسی افراد در دوره نوجوانی برای ازدواج و عدم شناخت و آگاهی ازسوی طرفین و یا دخالت و تصمیم‌گیری‌های والدین می‌تواند کیفیت زندگی زناشویی زوجین را کاهش دهد.

تعداد اعضای خانواده همسر بر کیفیت زندگی زوجین تأثیر معکوس دارد. با توجه به سطح معنی‌داری برابر $Sig=0/084$ ، آزمون همبستگی پیرسون و همچنین میزان همبستگی پیرسون $0/146$ ، نشان‌دهنده عدم رابطه بین تعداد اعضای خانواده همسر و کیفیت زندگی است. همچنین در تحقیقی که نیلوفر جانقربانی (۱۳۹۴) نشان داد که تعداد فرزندان بر روی متغیر کیفیت روابط زوجین اثرگذار نمی‌باشد.

-
- 1- Twenge
 - 2- Parenthood and Mental Satisfaction.
 - 3- Alendorff and Guimer
 - 4 -Vignettela
 - 5- Vendorf
 - 6- Heaton

تونینگ^۱ و همکاران (۲۰۰۳) نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که تعداد فرزندان با رضایت زناشویی رابطه‌ی منفی دارد. بلومر^۲ و همکارانش (۲۰۰۰) در پژوهشی نشان داد که مراقبت از دو فرزند یا بیش‌تر با امتیاز بالاتر کیفیت زندگی همراه است ولی با افزایش تعداد فرزندان، کیفیت زندگی خانواده کاهش می‌یابد (خشنده‌رو، ۱۳۸۱: ۴۵).

رابطه شیوه انتخاب همسر و کیفیت زندگی زناشویی مورد بررسی قرار گرفت. که نشان داده شد بین انواع شیوه‌های انتخاب همسر و کیفیت زندگی تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به سطح متغیرها از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه، یا F استفاده شده است سطح معنی‌داری برابر $Sig=0/003$ است. نشان از معنی‌داری تفاوت بین شیوه انتخاب همسر و کیفیت زندگی می‌باشد. در این تحقیق شیوه انتخاب همسر در سه گروه انتخاب خودم، انتخاب والدین و انتخاب سایر اعضای خانواده مطرح می‌شود. با توجه به آزمون تعقیبی توکی نشان داده شد، افرادی که همسر خود را با انتخاب سایر اعضا خانواده برمی‌گزینند کیفیت زندگی بالاتری نسبت به افرادی که با انتخاب خود یا والدین صورت می‌گیرد، دارند. در نظریه صافی نیز اشاره شد که هر قدر افراد از گروه‌های قومی، نژادی، طبقه اجتماعی و اقتصادی و شرایط سنی همسانی بیش‌تری داشته باشند کیفیت زندگی زناشویی بیش‌تر می‌شود. همان‌طور که در نظریه همسان همسری مطرح شد.

در پژوهش‌های انجام شده در باب کیفیت زندگی زناشویی در داخل، برخی به این نتیجه رسیده‌اند که داشتن آشنایی قبل از ازدواج، و ازدواج فامیلی با میزان رضایت از زندگی زناشویی رابطه‌ی معنادار دارند. (سیاوش شاه‌عنایتی، ۱۳۸۸؛ صادق مقدم، عسکری، معروضی، شمس و طهماسبی، ۱۳۸۵؛ حسین خوانساری، ۱۳۸۰؛ بهاری، ۱۳۸۶؛ موسوی، ۱۳۸۵). آلدورف و گایمر^۳ (۲۰۱۲) در پژوهشی نشان دادند بر اساس شیوه انتخاب همسر رضایت خانواده از انتخاب عوامل تأثیرگذار در زندگی زناشویی هستند (آسوده و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۳).

برخی دیگر از تحقیقات انجام شده در باب میزان رضایت از زندگی زناشویی نشان می‌دهند که همگونی فرهنگی، نحوه جامعه‌پذیری جنسیتی، با میزان رضایت آن‌ها از زندگی زناشویی رابطه معنادار دارد. (ویسفلد، راسل و ولز^۴، ۱۹۹۲). به نقل از (حقیقیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۷). رابطه میزان تحصیلات زنان، بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر مستقیم دارد، بررسی شد. با توجه به آزمون اسپیرمن، سطح معنی‌داری برابر $Sig=0/007$ و میزان اسپیرمن $0/155$ است. به عبارتی بین تحصیلات و کیفیت زندگی رابطه معناداری وجود دارد و هرچه تحصیلات بالاتر باشد کیفیت زندگی بهتر است. از سوی دیگر میزان تحصیلات همسر، بر کیفیت زندگی

1- Twenge

2- Blumer

3- Alendorff and Guimer

4- Visfeld, Russell and Wales

زناشویی تأثیر مستقیم دارد. با توجه به آزمون اسپیرمن و سطح معنی‌داری برابر $Sig=0/001$ و میزان اسپیرمن $0/184$ است. به عبارتی بین تحصیلات همسر و کیفیت زندگی رابطه معناداری وجود دارد و هرچه تحصیلات همسر بالاتر باشد کیفیت زندگی بهتر است. این نتیجه با نظریه‌های صافی و همسان‌همسری، مطابقت دارد. و با تحقیق گوهر ولی‌پور مرغملکی (۱۳۹۲)، سیاوش شاه‌عنایتی (۱۳۸۸)، صادق مقدم، عسکری، معروضی، شمس و طهماسبی، (۱۳۸۵) حسین خوانساری (۱۳۸۰) بهاری (۱۳۸۶) موسوی (۱۳۸۵) منصوریان و فخرایی (۱۳۸۷)، زارع و همکاران (۱۳۹۴)، عبدالله‌زاده (۱۳۸۲) و ویجتیمالا^۱ و همکاران (۲۰۰۴)، داروندورف^۲ و همکاران (۲۰۱۱) به نقل از (مرادی، ۱۳۷۹). همسو است. همچنین آلدورف و گایمر^۳ (۲۰۱۲) در پژوهشی نشان دادند که آموزش و پرورش، از عوامل تأثیرگذار در زندگی زناشویی هستند (آسوده و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۶).

در جنبه اهمیت تشابه تحصیلی بین زن و مرد، تحقیقی توسط زنگ^۴ (۲۰۰۲) صورت گرفت و طی آن مشخص شد که خط ناپایداری زندگی زناشویی در زوج‌هایی که تفاوت تربیتی، تحصیلی دارند، در بالاترین حد است و زوج‌هایی که از نظر تحصیلی، تشابه بیش‌تری دارند از استحکام زندگی زناشویی برخوردارند (خشنده‌رو، ۱۳۸۱: ۳۵). میزان درآمد، بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر مستقیم دارد. با توجه به آزمون اسپیرمن، سطح معنی‌داری برابر $Sig=0/005$ و میزان اسپیرمن $0/163$ است. به عبارتی بین درآمد و کیفیت زندگی رابطه معناداری وجود دارد و هرچه درآمد بالاتر باشد کیفیت زندگی بهتر است. نتیجه این فرضیه با پژوهش باقری (۱۳۸۳)، سیاوش شاه‌عنایتی (۱۳۸۸)، صادق مقدم، عسکری، معروضی، شمس و طهماسبی (۱۳۸۵)، حسین خوانساری (۱۳۸۰)، بهاری (۱۳۸۶)، موسوی (۱۳۸۵). کانجر^۵ و همکاران (۱۹۹۰) زنگ (۲۰۰۵)، براومن (۲۰۰۰)، اراتینکال و انستینوگن^۶ (۲۰۰۷)، همسو است (حقیقتیان و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۸).

کیفیت زندگی در دو گروهی که بعد از ازدواج مهاجرت کرده و نکرده با هم متفاوت هستند. متغیر «مهاجرت پس از ازدواج» متشکل از دو مقوله افراد مهاجرت کرده و نکرده است که در قالب مقیاس اسمی ساخته شده است. بنابراین، برای بررسی رابطه میان این متغیر و متغیر «کیفیت زندگی» لازم است از آزمون T تست مستقل استفاده شود. با توجه به سطح معناداری آزمون Levenes $Sig=0/016$ می‌باشد، پس واریانس‌ها همگن و برابرند.

-
- 1 - Vignettela
 - 2- Vendorf
 - 3- Alendorff and Guimer
 - 4- Zang
 - 5- Conjuror
 - 6- Bravmen- Eratinkal and Insinogen

مطالعه جامعه‌شناختی رابطه کیفیت زندگی زناشویی با عوامل جمعیت‌شناختی

تفاوت کیفیت زندگی در دو گروه افرادی که بعد از ازدواج مهاجرت کرده‌اند و مهاجرت نکرده‌اند، تأیید می‌شود. و طبق مقدار میانگین، کیفیت زندگی افرادی که بعد از ازدواج مهاجرت کرده‌اند بیشتر است. از سوی دیگر نشان داده شد بین محل زندگی پس از ازدواج و کیفیت زندگی تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به سطح متغیرها از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه، یا F استفاده شده است. سطح معنی‌داری برابر $Sig=0/044$ است و نشان از معنی‌داری تفاوت بین محل زندگی پس از ازدواج و کیفیت زندگی می‌باشد.

در این تحقیق محل زندگی پس از ازدواج در سه گروه در نزدیکی خانواده همسر، در نزدیکی خانواده خود و هیچکدام مطرح می‌شود. با توجه به آزمون تعقیبی توکی نشان داده شد، افرادی که مستقل و به دور از خانواده‌های خود زندگی می‌کنند، کیفیت زندگی بالاتری نسبت به افرادی که در نزدیکی خانواده همسر یا خود زندگی می‌کنند، دارند.

با توجه به نتیجه این تحقیق می‌توان گفت تأکید و بررسی عوامل جمعیت‌شناختی برای شناسایی دقیق‌تر علل طلاق و در نقطه‌ی مقابل آن رضایت‌مندی از زندگی زناشویی در کشور از اهمیت زیادی بهره‌مند است. زیرا بر اساس یافته‌های حاصل از این قبیل پژوهش‌ها، از یک‌سو، می‌توان هزینه‌ها و مشکلات مادی و روانی ناشی از اختلافات خانوادگی و پدیده طلاق را کاهش داد و از سوی دیگر، با افزایش معرفت و شناخت به‌ویژه یافته‌های حاصل از پژوهش‌های کاربردی، پیشنهادات مناسبی برای سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان اجرایی ارائه کرد تا بنیان‌های خانواده استحکام بیش‌تری پیدا کند.

منابع

- آسوده، محمدحسین؛ خلیلی، شیوا؛ دانشپور، منیژه. (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر ازدواج موفق: از دیدگاه زوجین خوشبخت. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، ثبت: ۱۵۰۲ ع، دانشگاه تهران.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی خانواده، با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- جمال‌زاده، راضیه. (۱۳۹۳). اثربخشی امید درمانی در افزایش شادکامی و رضایت از زندگی در زنان سالمند مستقر در مرکز سالمندان شهرستان بروجن. فصلنامه زن و جامعه، شماره دوم، ۳۸-۴۱.
- حقیقتیان، منصور و جانقربانی، نیلوفر. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین سن ازدواج و کیفیت روابط زوجین شهر اصفهان در سال ۱۳۹۳. اولین کنگره علمی پژوهشی سراسری توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی، جامعه‌شناسی و علوم فرهنگی اجتماعی ایران، تهران، انجمن علمی توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.

- خشنده رو، سکینه. (۱۳۸۱). بررسی میزان تأثیر آموزش بر کیفیت زندگی بیماران دیابتی دانشکده «آموزش بهداشت» مراجعه‌کننده به انجمن دیابت ایران. پایان‌نامه کارشناس ارشد علوم پزشکی دانشگاه تربیت مدرس.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۲). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: سروش.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران. تهران: انتشارات ندای آریانا، چاپ دوم.
- صادق‌مقدم، لیلا. (۱۳۸۵). میزان رضایت از زندگی زناشویی در زنان شاغل و خانه‌دار و همسران آنها در شهر گناباد. افق دانش؛ مجله‌ی دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی گناباد، (۱۲) ۲، صص: ۴۵-۵۰.
- فروم، اریک. (۱۳۸۹). هنر عشق ورزیدن. ترجمه‌ی پوری سلطانی، چاپ ۱۵، تهران: مروارید.
- کوزر، لوئیس. (۱۳۷۸). نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی. ترجمه‌ی ارشاد، فرهنگ، تهران: نشر نی.
- گود، ویلیام. (۱۳۵۲). جامعه و خانواده. ترجمه‌ی ویدا ناصحی، تهران: ترجمه‌ی و نشر کتاب.
- مرادی، م. (۱۳۷۹). بررسی آموزش مهارت‌های زناشویی بر رضایت زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- مقصودی، منیژه. (۱۳۸۶). انسان‌شناسی خانواده و خویشاوندی. شیراز، چاپ اول.
- Faulkner, R. (2002). Gender-Related Influences On Marital Satisfaction and Marital Conflict Overtime for Husband and Wives. Athens, Georgia.
- Stack, S. (1998). Family and Relationships. Journal of Marriage and the Family. Vol pp 52-536.